

### خبر

وحیدی در نشست پاسخ‌گویی وزیر کشور به مردم:

## دولت مردمی حرف مردم را شنیده و مشکلات را با کمک آنها حل می‌کند

نشست پاسخ‌گویی وزیر کشور به مردم با حضور احمد وحیدی و تعداد دیگری از مسئولان بعدازظهر یکشنبه،نهم اردیبهشت ۱۴۰۳ در مرکز ارتباطات مردمی ریاست‌جمهوری برگزار شد. به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلاموالمسلمین احمد صالحی، رئیس مرکز ارتباطات مردمی ریاست‌جمهوری، در نشست پاسخ‌گویی وزیر کشور به مردم گفت: هرچا دغدغه مردم وجود دارد، وزارت کشور حضور جدی و خالصانه دارد. در بلایای طبیعی، سفر اربعین، انتخابات، در مسائل فرهنگی وزارت کشور حضور دارد. اقدام ارزشمند فراجا در حمایت از خانواده و ارزش‌های اسلامی در حوزه نظارت و فرماندهی و مدیریت وزارت کشور تحقق پیدا کرده است و جا دارد به این مسئولان خدقاوت عرض کنم. امروز با حضور وزیر کشور، دغدغه‌های مردم به‌صورت حضوری توسط نمایندگان آنها بیان می‌شود. در ادامه احمد وحیدی، وزیر کشور نیز با تشکر از مرکز ارتباطات مردمی ریاست‌جمهوری برای برقراری ارتباط بین مردم و مسئولان گفت: وظیفه دولت مردمی این است که حرف مردم را خوب بشنود و مشکلات را با کمک خود مردم حل کند. در ادامه این نشست، مجتبی مختاری، مدیرعامل مؤسسه جوانان آستان قدس به ضرورت جنگ شناختی با دشمن و مقابله با ریشه‌های آسیب جوانان و دانش‌آموزان و لزوم حمایت وزارت کشور و برنامه‌ریزی ملی و فراگیر در این زمینه اشاره کرد. احمد وحیدی هم گفت: اقدامات و برنامه‌های شما را تأیید و پشتیبانی می‌کنیم. اساس و مبانی نظری شما را قبول داریم. ما باید جامعه منتظر ظهور را آماده کنیم. رهبری هم به لزوم ایجاد جامعه مهدوی اشاره کرده‌اند که مقدمه تمدن نوین اسلامی است. شما روی سن دانش‌آموز و نوجوان کار کردید که باید طیف زیادی را در بر بگیرد و شناخت آنها هم باید عمیق باشد. باید هم‌افزایی و حرکت در نقشه واحد را دنبال کنیم. در ادامه فولادپور، مدیرعامل بنیاد بین‌المللی آبخار عاطفه‌ها درباره ساماندهی تشکل‌های مردمی و شناخت توانمندی آنها و برنامه‌ریزی برای تحقق شعار سال، رتبه‌بندی تشکل‌های مردم‌نهاد، وجود اتحادیه برای تشکل‌های مردم‌نهاد، تصویب قانون برای این تشکل‌ها صحبت کرد. وزیر کشور هم در این زمینه گفت: مجموعه شما موفق بوده و کارنامه خیلی خوبی داشته است. رتبه‌بندی تشکل‌ها در دستور کار قرار دارد. پیشهاد ایجاد اتحادیه خوب است، البته به نوعی اتحادیه داریم ولی باید آن را تثبیت و پایدار کنیم. وجود قانون هم می‌تواند برای تشکل‌های مردم‌نهاد مؤثر باشد. می‌توانیم ایجاد قرارگاه مشارکت مردمی در همه مسائل را دنبال کنیم. ارتباط با تشکل‌های مردم‌نهاد اسلامی بسیار مهم و ارزشمند است و باید دنبال شود. چند تشکل‌های مردم‌نهاد مهم باید محور این ارتباط باشند. وزیر کشور هم در این زمینه بیان کرد: اربعین یک پدیده تاریخ‌ساز و تمدن‌ساز است و خیلی مانده تا ظرفیت اربعین را بشناسیم ولی تا همین حد هم دستاوردهای بزرگی داشته است. هر برنامه و خلاقیت در این زمینه حالاحالاها جای کار دارد. اساس کار ما این است هرچا مردم می‌توانند کمک کنیم تا وارد شوند. گفتیم کاملاً آمادگی داریم که مردم در برگزاری سفر اربعین مشارکت داشته باشند. هر پیشنهادی در این زمینه داریم، به ما ارائه کنید، ما از آنها استقبال می‌کنیم. مدت سفر اربعین باید تنظیم و توزیع شود تا به اندازه کافی امکانات وجود داشته باشد. در کنار مردم باید از حمایت دستگاه‌های حاکمیتی و بانک‌ها هم استفاده کنیم. تقویت مواکب مردمی برای ما یک اصل است.

**داوود حشمتی**؛ جریانی در کشور که فکر می‌کرد با یکدست‌شدن قدرت، یک «موقعیت طلایی» خلق شده که «گره‌های کور» اداره کشور را برطرف خواهد کرد. امروز در چه وضعیتی است؟ سه سال بعد از آن روزها اگر نگاهی به سیاست داخلی، سیاست خارجی و حتی رقابت میان گروه‌های اصولگرا بیندازیم، می‌بینیم که با گره‌های کور بسیاری روبه‌رو هستیم که اتفاقاً محصول یکدست‌شدن قدرت در اختیار یک جریان است. این گره‌ها به تکه‌تکه‌شدن جریان اصلی فوق منجر شده است.

#### هیچ بهانه‌ای بدبرفتنی نیست

۱۴ تیرماه ۱۴۰۰، زمانی که غلامحسین محسنی‌اژه‌ای به عنوان رئیس قوه قضائیه به جای ابراهیم رئیسی منصوب شد، محمدباقر قالیباف در این جلسه معارفه سخنران بود. او حرف مهمی زد که امروز سه‌ سال بعد از آن روزها، زمان مناسبی است تا به داوری درباره آن بنشینیم. قالیباف به هر دو رئیس قوه رو کرد و با اشاره به اینکه همه قوا در دست یک جریان همفکر افتاده است، گفت: «در آستانه شروع به کار و مسئولیت‌پذیری در یک دوره جدید هستیم. این فرصت یک دوره بسیار کم‌نظیر است. این توقع بحق مردم از ماست و مردم هیچ بهانه‌ای را از ما نخواهند بپذیرفت». سه سال بعد از آن روزها، وقت بررسی است که ببینیم در نتیجه قرارگرفتن همه قوا در اختیار یک جریان، آیا روند حکمرانی کارآمدی بیشتری از خود نشان داده یا آنکه مدام برای خود بحران‌تراشی کرده و قدرت آن را نیز با اختلال مواجه کرده است؟ سه سال، سه بهار و سه قانون بودجه را پشت سر گذاشتیم و این زمان مناسبی است که ببینیم در نتیجه حذف دیگر جریان‌های سیاسی از قدرت، توانستند طعم خوش کارآمدی را به مردم بچشاندند؟ یا آنکه روز به روز شکاف‌ها بیشتر شده است؟ تا آنجا که سه سال بعد از آن حرف‌ها، امروز قالیباف خودش در آستانه اخراج از صندلی ریاست یکی از قواست تا متوجه شود مشارکت بالا و حضور مردم یک نعمت است که قدر آن را ندانستند.

#### افسانه‌یکدستی

جریانی سیاسی در کشور حضور داشت که همواره از دهه دوم انقلاب به دنبال یکدست‌کردن قدرت اجرائی بود. حتی با وجود آنکه کسی همچون سیدمحمد خاتمی هم از دولت هاشمی‌رفسنجانی کنار رفت و جای خود را به علی لاریجانی راست‌گرا داد، اما به این وضعیت هم راضی نبودند. خیز این جریان برای یکپارچه‌کردن قوا در انتخابات سال ۷۶ با بن‌بست ۲۰ میلیون رأی مردم روبه‌رو شد و مباحث مربوط به حاکمیت دوگانه از همان‌جا بیشتر و بیشتر نمود پیدا کرد. با این حال، حد فاصل سال‌های ۸۴ تا ۸۸ از وضعیت به وجود آمده احساس رضایت می‌کردند و هنوز هم آن دوران را بهترین کارنامه عملکرد خود می‌دانند. بدون آنکه توجه کنند آنچه در آن روزها تأثیرگذار بود، قیمت و فروش بالای نفت به‌عنوان سرمایه‌های بین‌نسلی کشور در آن دوران بود. با این حال، شکافی که با معاون‌اولی مشایی کلید خورد، در دو سال پایانی به جدالی حذفی تبدیل شد. با روی کار آمدن حسن روحانی و دولت هشت‌ساله او، بار دیگر زرمزه‌ها آغاز شد. جریان راست در جمهوری اسلامی که از دهه دوم انقلاب به بعد، قوه قضائیه را در اختیار داشت، دومین قوه را هم بعد از مجلس ششم تصاحب کرده بود. حالا جالش آنها بر سر در اختیار گرفتن قوه مجریه و شوراهای اسلامی شهرها بود. در نهایت نیز برای رسیدن به این مرحله، حتی علی لاریجانی هم در سال ۱۴۰۰ تحمل نشد و همه ارکان قدرت در اختیار جریانی قرار گرفت که خود را اصولگرا می‌خواندند. جریانی که در سایه این یکدستی تصور می‌کرد قدرت بی‌حدوحصری خواهد داشت که با اتکا به آن، می‌تواند همه مشکلات را برطرف کند. وضعیتی که در

نگاهی به عرصه سیاست داخلی و شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور ۳ سال بعد از یکدست‌شدن قدرت اجرائی

# موقعیت طلایی یا گره کور؟

تابستان ۱۴۰۰ صفارهرندی آن را «موقعیت طلایی» خوانده بود.

#### موقعیت طلایی

در تابستان ۱۴۰۰ تنها محمدباقر قالیباف نبود که ادعا می‌کرد در سایه همراهی سه قوه، یک موقعیت کم‌نظیر به دست آمده است. محمدحسین صفارهرندی در تابستان همان سال ویدئویی را برای بصیرت‌افزایی جریان انقلابی منتشر کرد که در آن از یک موقعیت طلایی حرف زده بود. از نگاه آنها وجود جریان‌هایی مانند اصلاحات و اعتدال‌گرایان در قوه مجریه، سبب افتادن «گره‌های کور» در قدرت شده بود که در موقعیت طلایی برطرف می‌شد. او گفته بود: «این موقعیت امروز یک موقعیت طلایی است. می‌شود امیدوار بود که گره‌های کوری که به اداره کشور قبلاً زده شده بود، با این اتفاق نظر که دستگاه‌های مختلف پیدا کرده‌اند، گشوده شود». صفارهرندی از اینکه بخشی از مردم که پیش‌تر به اصلاح‌طلبان رأی می‌دادند، در انتخابات ۱۴۰۰ شرکت نکردند، بسیار خشنود بود و آن را «نشان بلوغ مردم» ارزیابی می‌کرد؛ «اگر اینها آمده بودند پای صندوق رأی و رأی اشتباه می‌دادند، در واقع این ادامه آن تکرارهای غلط‌شان بود». تصور آنها این بود که به‌زودی می‌توانند با احیای برجام در خارج و همراهی همه ارکان قدرت در داخل، وضعیتی خلق شود که آنها به‌عنوان ناجی همیشگی ملت شناخته شوند. حالا و بعد از گذشت سه سال از آن تصویرسازی‌های طلایی، بیاید نگاه کنیم در حوزه‌های مختلف گره‌های کور باز شده یا بسته‌تر شده است؟

#### گره‌های بین‌المللی

در حوزه بین‌الملل همچنان مسئله ایران، برجام است. توافقی که آمریکا از خارج شد. امروز در شرایطی هستیم که هیچ‌کس به تعهدات خود عمل نمی‌کند، اما برجام به قوت خودش باقی است تا پرونده ایران را دو سال بعد در پایان آخرین بند غروب، عادی کند. با این وجود، اگر بازگردیم به زمستان ۹۹ می‌بینیم که با آمدن بایدن در کاخ سفید، فرصت احیای برجام وجود داشت، اما جریانی سیاسی در داخل با آن مخالفت کرد. این روایتی است که بارها حسن روحانی آن را بیان کرده و گفته است که «اگر مانع نشده بودند، در همان زمستان ۹۹ برجام احیا شده بود». نکته اینجا بود که جریان اصولگرا ظاهراً مطمئن بود که قدرت را به صورت کامل در دست خواهد گرفت. از همین رو نمی‌خواست هم برجام و هم احیای برجام به نام حسن روحانی تمام شود. آنها تصور می‌کردند به راحتی قادرند بعد از رسیدن به قدرت، برجام را احیا کنند. اما با دست خود گره کوری به وضعیت برجام زدند که دست‌کم تا پایان دوران بایدن باز نخواهد شد. در منطقه نیز با یک وضعیت نامطمئن روبه‌رو هستیم. پاسخ موشکی ایران به اسرائیل برای نشان‌دادن قدرت، کارآمدی لازم را داشت؛ اسرائیل دست از حمله به مواضع ایران در سوریه برداشت. اما فشار را در لبنان و غزه زیادتر کرد. تداوم این وضعیت ایران را بار دیگر در موقعیتی قرار می‌دهد که نمی‌تواند نسبت به آنچه در منطقه می‌گذرد، بی‌تفاوت باشد.

#### گره‌های کورا اجتماعی

با یکدست‌شدن همه قوا، هواداران افراطی این جریان قوای اجرائی را تحت فشار قرار دادند تا به خواسته‌های آنها در مسائل اجتماعی عمل کند. رئیسی که در آغاز فکر می‌کرد با دادن امتیازاتی نظیر ورود زنان به ورزشگاه یا برداشته‌شدن مواضع حصر می‌تواند طبقه متوسطی را که به او رأی نداده هم با خود همراه کند. ناگهان با وضعیتی روبه‌رو شد که دستور کارش را جریان تندرو نزدیک به خودش آماده کرده بود. فشارهای آنها باعث شد تا

نگاهی به عرصه سیاست داخلی و شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور ۳ سال بعد از یکدست‌شدن قدرت اجرائی

# موقعیت طلایی یا گره کور؟

در تابستان ۱۴۰۱ گشت ارشاد به‌صورت علنی به خیابان‌ها بیاید و فوت مهسا امینی جرقه‌ای بر احساسات انباشته‌شده چند ماه قبل از آن را رقم بزند. جریان افراطی اما دست‌بردار نبود و دست‌بردار نیست. آنها با تجمعات و تحصن‌های مقابل مجلس و قوای دیگر، خواهان فشار بیشتر اجتماعی است. سرریزشدن این کشمکش‌ها در فضای مجازی در نهایت سر از تقابل‌هایی مانند روز سیزده‌بدر، ساخت پارک قیصریه و بازگشت «اقتدار کمیته‌ای» به خیابان‌ها در می‌آورد (نگاه کنید به مقاله «مانور اقتدار کمیته‌ای، روزنامه شرق، ۶ آذر، ۱۴۰۲). تمام این موارد باعث یک گره کور در حوزه اجتماعی شده که هیچ طرفی از نزاع، راه‌حلی عملی برای آن نمی‌تواند ارائه کند.

#### گره کور سیاست داخلی

با این همه، گرفتاری اصلی در حوزه سیاست داخلی است. نه فقط جریان‌های اصلاحات و اعتدال‌گرا، بلکه جریان راست سنتتی هم رفته‌رفته از سیاست حذف شد. در نهایت در انتخابات مجلس، این بار رقابت میان ناصول‌گرایان و کسسانی بود که آنها را «پاجوش» می‌خواندند. پدر‌خوانده‌های اصولگرایی قبل از انتخابات خود را «چنار»هایی فرض می‌کردند که یک عده «پاجوش» در کنارشان رویده است. اما لیست «پاجوش‌ها» چنان بلایی بر سر «چنارها» آورد که هنوز از شوک آن خارج نشده‌اند. «چنارها»، از همان ابتدا مخالف رقابت در درون جریان اصولگرایی بودند. آنها باور داشتند که باید «موقعیت طلایی» را قدر دانست و به رقابت درونی دست نزد. «پاجوش‌ها» اما معتقد بودند که رقابت میان بدنه خودی جریان انقلاب، به پرشدن صندوق کمک می‌کند. آنها از این حربه استفاده کردند و با تکیه بر هدایتگری بدنه رای، چنارها را در یک حرکت روی پل سیاست بردند. در نهایت دستاورد آنها در وضعیت یکدست‌شدن قدرت در این‌گونه می‌توان برشمرد:

۱ – افزایش نرخ ارز به نحوی که قالیباف و مجلس هم صدایشان درآمده است.

۲ – حذف ارز ترجیحی و گران‌کردن سفره‌های مردم با جراحی اقتصادی، به‌گونه‌ای که رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس دراین‌باره به دولت هشدار داده است.

۳ – حذف حسن روحانی در انتخابات خبرگان رهبری و تقابل با بخشی از روحانیت که پیش‌تر در قدرت بودند.

۴ – بی‌اعتبارشدن واعظان سنتتی جریان اصولگرایی مانند حجت‌الاسلام پناهیان و

صدیقی با حاشیه‌های اخیر

۵ – تقابل و حمله به چهره‌هایی مانند علی‌اکبر ولایتی و علی آقامحمدی

۶ – تقابلس و حمله به برخی چهره‌های نزدیک به بیت رهبری که در ماجرای توییت مهدی فضائلی شاهد آن بودیم.

۷ – اختلافات میان دولت و مجلس که قرار بود با یکدست‌شدن قوا، کارآمدی بیشتری از خود نشان دهند.

۸ – فاصله شدید میان پدر‌خوانده‌های اصولگرایی با دیگر اصولگرایان همچون علیرضا زاکانی و بدنه رای خود

۹ – تلاش افراطی‌ها برای فاصله‌گذاری میان دولت و دفتر رهبری که ابراهیم رئیسی به درستی زیر بار آن نرفت.

و در نهایت اوضاع آشفته‌ای در سیاست داخلی که هیچ‌کس نمی‌داند اصولگرایان در سال آینده بار دیگر تمام‌قد از ابراهیم رئیسی دفاع خواهند کرد یا از او عبور می‌کنند.

در یک جمله بن‌بست شکل‌گرفته امروز در عرصه سیاست، محصول یکدست‌شدن همه قوای اجرائی کشور است که تداوم آن به گره‌های بیشتر منجر خواهد شد.

# ریمونددویل

## RAYMOND WEIL

### GENEVE



maestro collection

## SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran